

عنوان مقاله:

تحلیل ساختار داستان های پهلوانی بهمن نامه بر اساس نظریه گرینتسر و گرماس

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب حماسی، دوره 13، شماره 2 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسندگان:

مریم خلیلی جهان تیغ - استاد رشته زبان و ادبیات فارسی دانش گاه سیستان و بلوچستان، ایران

زینب شیخ حسینی - استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی دانش گاه حضرت نرجس(س) رفسنجان، ایران.

محمد بارانی - زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

خلاصه مقاله:

چکیده ساختارگرایی یکی از شیوه‌های تحلیل متن در قرن بیستم است که با نگاهی کلی‌گرایانه، قواعد و الگوهای موجود در متن را مورد بررسی قرار می‌دهد. گرینتسر از نظریه‌پردازان روسی است که ساختار قصه‌های حماسی تمدن‌های آسیایی را مورد بررسی قرار داده است. در تحقیق حاضر سعی شده است با استفاده از روش تحلیل کتاب خانه‌ای، ضمن بررسی نظریه گرینتسر و گرماس به تحلیل بهمن‌نامه بر پایه این دو نظریه پرداخته تاثیر اندیشه‌های خیر و شر را بر ساختار داستان‌های پهلوانی این اثر مورد مطالعه قرار داده‌ایم تا به این پرسش، پاسخ دهیم که آیا این‌گونه قصه‌ها دارای ساختار اسطوره‌های تقویمی هستند و قهرمان این حماسه‌ها نیز مانند ایزد باروری قصه‌های اسطوره‌ای به صورت دوره‌ای می‌میرد و زنده می‌شود؟ طبق تحقیقات انجام‌شده در پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که قهرمان داستان‌های پهلوانی بهمن‌نامه طبق نظریه گرینتسر دارای ساختار اسطوره‌ای تقویمی است و بافت روایی این منظومه تحت تاثیر اندیشه جدال همیشگی خیر و شر قرار گرفته است که این موضوع سبب پیدایش تقابل‌های آشکاری در شخصیت‌ها و کنش‌های داستان شده است. کلیدواژه‌ها ساختار، حماسه، داستان‌های پهلوانی، بهمن نامه، گرینتسر.

کلمات کلیدی:

ساختار، حماسه، داستان های پهلوانی، بهمن نامه، گرینتسر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1541726>

